

گله!

در رد دعوت «انجمن شباهنگ» جهت ایراد سخنرانی
در روز چهارم دسامبر ۱۹۹۸ در فیلادلفیا سروه شد.

رنجیده یار وگفت: «مرو از کنار من!
اکنون که کار من به مداوا کشیده است!
چشمم که شب چراغ گلستان زندگی است
دست نیاز پیش اطبا کشیده است!
باید عمل کنند ورا، چون که روز و شب
جان را به سیل لؤلؤ لالا کشیده است!
در خدمتم بمان! که در این روزهای سخت
هر کس به عذر خیمه به صحرا کشیده است
رفتی اگر ز خیره سری، چون که آمدی
کار من و توهم به درازا کشیده است!»
گفتم به چشم! می نروم از کنار تو
اکنون که کار بحث بدین جا کشیده است!

رضا شاپوریان

یکشنبه ۲۲ نوامبر ۱۹۹۸